

تأثیر جغرافیای طبیعی و انسانی کرمانشاهان بر حوادث جنگ جهانی اول

دکتر نصرالله پور محمدی املشی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران

poormohammadi@ikiu.ac.ir

پوریا اسمعیلی

historian.p@gmail.com

دانشجوی دکترای تاریخ ایران دوران اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران

تاریخ دریافت: ۲۰/۱۰/۹۶ تاریخ پذیرش: ۲۰/۳/۹۷

چکیده

در این پژوهش تأثیر جغرافیای طبیعی و انسانی کرمانشاهان بر حوادث جنگ جهانی اول بررسی می شود. با آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ه.ق و با تشکیل دولت موقت ملی در کرمانشاهان و حمایت دول متحد از آنان و همچنین وجود ایلات و عشایر کرد، در همان سالهای آغازین جنگ، ارتش روسیه و بریتانیا در غرب ایران تحت فشار قرار گرفتند و این بدان سبب بود که طوایف کرد به واسطه آشنایی با گذرگاهها و نقاط کوهستانی، آنان را در تنگنا قرار دادند بویژه آنکه آلمانی ها و نیروهای عثمانی نیز از این شرایط بهره بردند. این مقاله با استفاده از روش پژوهش تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل ابعاد مختلف موضوع را بررسی می نماید. یافته های اصلی نشان می دهد که این خطه کهن به سبب شرایط اقلیمی خاص از قبیل کوهستانی بودن، تنوع آب و هوایی، وجود رودخانه های خروشان، دشت های وسیع، تنوع قومیتی و نیز در مسیر شاهراه بین النهرین - خراسان قرار داشتن، نقش بسزایی در تحولات سیاسی جنگ جهانی اول در نقاط غربی ایران داشته است.

واژگان کلیدی: کرمانشاهان، جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی، دولت موقت ملی، جنگ جهانی

اول

مقدمه

این پژوهش به تأثیر جغرافیای طبیعی و انسانی کرمانشاهان بر حوادث جنگ جهانی اول می پردازد. علت انتخاب این موضوع چنین است که کرمانشاهان از دیر باز به خاطر موقعیت جغرافیایی مناسب از قبیل، تنوع اقلیمی و شرایط آب و هوایی و نیز به سبب اینکه در شاهراه اصلی بین النهرین - خراسان قرار داشت همواره کانون اصلی توجه اقوام و تمدنهای مختلف در طول تاریخ بوده است.

با آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ که تا سال ۱۹۱۸ به طول انجامید، کشور ایران علی رغم بی طرفی، مورد اشغال بیگانگان قرار گرفت و در این میان ایالت کرمانشاهان به سبب کوهستانی بودن، وجود راههای مناسب، تنوع اقلیمی، دره های عمیق، نزدیکی به مرزهای حکومت عثمانی، سکونت طوایف و ایلات مختلف و آشنایی آنان با جغرافیای منطقه و نیز به علت نفوذ سران ایلات و عشایر و همکاری آنان با دولتهای آلمان و عثمانی و همچنین حضور نیروهای بریتانیا و روسیه در اثنای جنگ جهانگیر اول و در نهایت تشکیل دولت موقت ملی از اهمیت خاصی برخوردار شد. در همین راستا سوال اصلی پژوهش این است که جغرافیای طبیعی و انسانی کرمانشاهان چه تأثیری بر حوادث جنگ جهانی اول داشت؟ فرضیه حاصله چنین است که ایالت کرمانشاهان به علت داشتن جغرافیای طبیعی منحصر به فرد و دارا بودن منابع قوی انسانی بر تحولات جنگ جهانی اول در مناطق غربی ایران تأثیر داشت.

پیرامون پیشینه موضوع تاکنون تحقیقاتی البته با تفاوتهایی به شرح ذیل انجام پذیرفته است:

وقایع غرب ایران در جنگ اول جهانی، تألیف رضاقلی قائم مقامی در سال ۱۳۳۴. کرمانشاهان و کردستان، تألیف دکتر مسعود گلزاری، بی تا. جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، تألیف محمد علی سلطانی در سال ۱۳۸۱. جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، تألیف

گای لسترنج در سال ۱۳۷۷. مقاله ایل سنجابی و سیاست‌های انگلیس در غرب ایران در جنگ جهانی اول، اثر محسن رحمتی و پیرحسین نظری، فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۷، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴. کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، تألیف ایرج افشار در سال ۱۳۸۱. در این آثار یا حوادث و رویدادهای سیاسی غرب ایران در جنگ جهانی اول به تنهایی بررسی شده و یا به صورت جداگانه جغرافیای طبیعی این منطقه بیان گردیده است. بنابراین در این تحقیق تلاش می‌شود تا ابعاد و زوایای موضوع با استفاده از روش پژوهش تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل و نیز با تکیه بر نظریات موتسکیو در روح القوانین و ابن خلدون در مقدمه، که به تأثیر طبیعت و جغرافیا در اخلاق و رفتار ملت‌ها و وقایع و حوادث تاریخی - اجتماعی اشاره دارند مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت پرداختن به چنین موضوعی باعث می‌شود تا اهمیت جغرافیای طبیعی و انسانی این خطه کهن در دوران جنگ جهانی اول به درستی تبیین شده و ابهاماتی که در این زمینه وجود دارد برطرف گردد. پس انجام یک تحقیق منسجم علمی ضروری است.

جغرافیای طبیعی کرمانشاهان

استان کرمانشاهان منطقه ای نیمه کوهستانی است و سلسله جبال زاگرس بخش عمده آن را پوشانده است. تنها در بخش‌هایی از دامنه‌های کم شیب این منطقه یا دره‌های عریض آن، زمین‌های کم ارتفاع و جلگه‌های آبرفتی مشاهده می‌شود. به طور کلی ناهمواری‌های این استان از لحاظ ساختاری و شکل ظاهری زمین به سه گروه کوه، دشت و تپه ماهور تقسیم می‌شود. کوهها موازی یکدیگر و تقریباً در جهت شمال غربی به جنوب شرقی قرار دارند. برخی از این کوهها نسبت به خطوط مرزی استان به طور مایل قرار گرفته‌اند و در نتیجه، دره‌های آن تا خاک عراق امتداد دارند.

مهمترین کوه‌های کرمانشاهان عبارتند از:

۱- کوه دالاهو:

ارتفاعات آن دارای قله بسیار بلندی است. بلندترین آن ۲۲۵ متر ارتفاع دارد. قسمت عمده این ارتفاعات دارای پوشش جنگلی و مراتع سرسبز در دامنه‌ها است و در بیشتر طول سال زیر پوشش برف قرار دارند. این رشته کوه از یک

سو بر دشت بین النهرین مسلط و از سویی دیگر بر جنگل های «کرنند» مشرف است. (ر.ک. تصویر شماره ۱) (مرادی، ۱۳۸۲: ۱۶)

۲- کوه پراو:

این رشته کوه که در گویش کردی به معنای پرآب است، در امتداد الوند قرار دارد و در جهت شمال غربی به طرف کوههای طاق بستان پیش می رود و پس از آن به طرف کردستان امتداد می یابد. این ارتفاعات سنگی و غیر مشجر، دارای معابر محدودی است. کوه بیستون بلندترین این مجموعه می باشد. طول رشته کوه پراو از شمال غربی تا جنوب شرقی شصت و دو کیلومتر و عرض آن از شمال به جنوب در پهن ترین نقطه بیست و شش کیلومتر است. (ر.ک. تصویر شماره ۲) (همان: ۱۶)، سفید کوه، شاهو، کوه آتشکده، کوه نوا، کوههای قلاجه نیز سایر کوههای استان می باشند که غارهای زیادی نیز مانند غار شکارچیان بیستون و غار قوری قلعه پاوه و غار ماسی در دامنه پراو در دل آنها جای دارند. در کنار ارتفاعات، دشت ها نیز از اهمیت وافری برخوردار هستند که در فواصل کوهها شکل گرفته اند و سکونت گاه اصلی اقوام این سرزمین به شمار می روند.

دشت های اصلی این استان عبارتند از:

۱- دشت صحنه، ۲- دشت بیلوار، ۳- دشت هرسین، ۴- دشت ماهیدشت، ۵- دشت اسلام آباد غرب، ۶- دشت کرنند، دشت بین ارتفاعات پطاق و خسروی. از لحاظ آب و هوایی نیز تحت تأثیر عبور جریان هوایی مدیترانه قرار دارد که باعث بارندگی در استان می شود. با این حال نوع آب و هوا در کرمانشاهان یکسان نیست، نواحی مرزی همچون قصر شیرین و سومار گرم و خشک است و نواحی شمالی، شرقی و جنوبی سردسیر می باشند. تنوع اقلیمی در این منطقه از ایران زمین باعث شده تا پوششهای گیاهی و رودها نیز متنوع باشند. مهمترین رودهای استان عبارتند از: رود قره سو، رود گاماسیاب، رود دینورآب، رود رازآور، رود جامیشان، رود سیروان، رود الوند. در کنار این رودها باید از

سراب های زیبایی نیز نام برد که سراب یاوری، سراب خضریالیاس، سراب روانسر، سراب سنقر، سراب هرسین، سراب دربندصحنه و سراب نیلوفر از جاذبه های طبیعی و منحصر به فرد شمرده می شوند. (همان: ۱۸۴-۱۸۵)، به دلیل موقعیت خاص اقلیمی و بارندگی های به موقع و فراوان، کرمانشاهان دارای مراتع و جنگل های پر برکتی است که دره های مناطق شمال غربی تا جنوب شرقی آن یعنی تا ارتفاعات اورامانات و منطقه زردلان و هلیلان پوشیده از درختان بلوط و گونه های مختلف گیاهی و جانوری است. همین مسئله باعث شد تا ایلات و عشایر در آنجا استقرار یابند. (همان: ۱۷۹)

راههای مناسب و نزدیکی به بین النهرین و نیز اتصال بغداد به خراسان به عنوان شاهراهی بزرگ و تردد کاروانهای زیارتی و تجاری بر اهمیت کرمانشاهان افزوده است. بنابراین تأثیر جغرافیای طبیعی منطقه بر این مسائل کاملاً مشهود است.

جغرافیای انسانی کرمانشاهان

شواهد و مدارک باستان شناختی نشان می دهد این منطقه از نخستین زیستگاههای بشر به شمار می رفته و یکی از مراکز مهم جمعیتی در زاگرس میانی محسوب می شده است. وجود «تپه گنج دره» در هرسین و تپه سراب این ادعا را به اثبات می رساند. (گلزاری، بی تا: ۱۲)، کرمانشاهان که نام آن معمولاً به صورت کرمانشاه مختصر می شود نزد اعراب به قرمیین معروف بود و در زمان ساسانیان توسط بهرام چهارم (۳۸۸-۳۹۹ م.) تجدید عمارت شد. (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۵۱)

مقدسی جغرافی نویسن قرن چهارم هجری قمری، نخستین کسی است که در دوران اسلامی اسم ایرانی کرمانشاهان را ذکر نموده و از آن به نیکی یاد می کند. (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۰۲)، کرمانشاهان در طول تاریخ از شهرهای مهم ایالت جبال بوده است و طی قرن ها حوادث بیشماری را پشت سر گذاشته و همواره مورد توجه حکومتهای مختلف از روزگار باستان تا به امروز بوده است و از مراکز مهم تجاری و بازرگانی به سبب نزدیکی به بین النهرین محسوب می شده است و نیز شاهراه زوار کربلا بود. (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۵۱)

این دیار کهن از دیرباز محل سکونت اقوام و طوایف گوناگون بوده است و آنان به علت شرایط اقلیمی مناسب در قسمت های مختلف آن سکنی گزیدند که عبارتند از:

۱- ایل کلهر:

این ایل از شعب اصلی ایلات کرد و از کهن ترین طوایف غرب ایران است. بنا به روایات مورخان و جهانگردان قدمت آنان به دوران ساسانی باز می گردد که از نظر جغرافیایی در اسلام آباد غرب، گیلانغرب، بخش هایی از سرپل ذهاب، سومار، نفت شهر، ماهیدشت، شهر کرمانشاه، قصرشیرین و تا بخش هایی از ایلام و حتی در اقلیم کردستان عراق پراکنده می باشند. (گودرزی، ۱۳۸۱: ۲۴)، بزرگترین شهر کلهرنشین اسلام آباد غرب است. زبان ایل کلهر کردی با گویش کلهری بوده و خود نیز به لهجه هایی تقسیم می شود. (همان: ۲۳)

آنان از قرون گذشته تا دوران معاصر همواره با بیگانگان به ستیز برخاستند و تأثیر بسزایی در حوادث سیاسی و نظامی غرب ایران داشته اند. و همواره سخت ترین حوادث را تجربه نموده اند. مردمان ایل کلهر از طریق دامپروری امرار معاش می کرد هاند و با توجه به تنوع آب و هوایی کرمانشاهان به طور مرتب در فصول مختلف سال از کوههای قلاجه در شرق گیلانغرب تا نواحی شمالی استان ییلاق و قشلاق می کرده اند. البته گروهی نیز به صورت یکجانشین به کشاورزی می پرداختند.

۲- ایل سنجابی:

این ایل بزرگ در کرمانشاه حضور دارند و در قسمتهایی از اسلام آبادغرب، قصرشیرین، ماهیدشت و مناطقی از اورامانات نیز سکونت دارند. مردم آن به سبب مجاهدت های فراوان با متجاوزان معروف هستند و بدان علت که در نبرد ایران برای باز پس گیری هرات در دوره قاجار بالا پوشی از سنجاب پوشیده بودند به سنجابی معروف شده اند. (سنجابی، ۱۳۸۰: ۵۵)

گویش آنان کردی است از شاخه های کردی جنوبی (کلهری) و از شانزده طایفه تشکیل شده است که عبارتند از:

- ۱- چالابی، ۲- الهیارخانی، ۳- دولت‌مندان و دستجه، ۴- دارخور، ۵- صوفی، ۶- خسرو، ۷- کل کل،
- ۸- جلیلونند، ۹- سیمینوند، ۱۰- باقی، ۱۱- سرخاوند، ۱۲- عباسوند، ۱۳- کاکاوندزگه، ۱۴- پیرعلی،

۱۵- شامگه، ۱۶- بگم. (سلطانی، ۱۳۸۱: ۸۵)، آنان بیشتر به دامپروری می پردازند و عده ای نیز به صورت محدود به کشاورزی اشتغال دارند.

۳- قوم لک:

این قوم در نواحی غربی ایران بین کرمانشاه، همدان و لرستان ساکن هستند اما بیشتر آنان در هرسین، بیستون و قسمتهایی از صحنه و کنگاور حضور دارند. کلمه لک از نظر لغوی به معنای صدهزار است شاید در اعصار قدیم صد هزار سرباز داشته اند یا جمعیت صد هزار نفری داشتند و به همین دلیل بدین نام مشهور شده اند. (شهبازی، ۱۳۶۹: ۱۳۴)، اما امروزه برخی از لک های لکستان می گویند ما به قوم لر و کرد منتسب هستیم. یعنی حرف (ل) را برگرفته از لر و حرف (ک) را نیز برگرفته از کرد می دانند. (همان: ۱۳۴)، با این وجود، حمید ایزدپناه کرد پنداشتن لک را یک سوء تفاهم و ناشی از استفاده واژه کرد از قدیم در معنی کوچ نشین ایرانی تبار در سراسر منطقه می دانند و به لر بودن لک ها معتقد است. (ایزدپناه، ۱۳۶۷: ۱۰)، اقوام لک به کشاورزی و دامپروری اشتغال داشتند و از این طریق امرار معاش می کردند و به طوایف مختلفی تقسیم می شوند مانند: کاکاوند، بالاوند، جلالوند، عثمان وند. اینان خاستگاه و اعتقادات مشترکی دارند و علیرغم اختلافات درونی، در مواقع هجوم دشمنان خارجی با هم متحد شده و از منطقه خویش دفاع می کردند و تابع حکومت مرکزی نیز بودند. (عادلفر و اسمعیلی، ۱۳۹۵: ۴۷)، در نهایت، وجود اشیاء مختلف و مکشوف از منطقه هرسین، قدمت آنان را به هزاران سال پیش می رساند.

۴- سایر اقوام:

در استان کرمانشاهان صرف نظر از اقوام کرد و لک، اقلیتی از طوایف ترک هم حضور دارند که بخش ترک نشین قرنهایست در سنقر سکونت دارند. (مرادی، ۱۳۸۲: ۴۲)، ایل قلخانی نیز که از طوایف کلهر می باشد در مناطق جنوبی و غربی کوههای دالاهو ساکن هستند و با توجه به حضور در منطقه گوران جزء آن ایل محسوب می شوند. (میرنیا، ۱۳۶۸: ۵۰)

اکثر این مردمان از پیروان آئین اهل حق و بخشی از آنها اهل سنت و شیعه می باشند. ایل گوران هم از ایلات بزرگ و کهن کرمانشاهان است و در روستاهای گهواره، ذهاب، قلعه زنجیر و... ساکن هستند. ناحیه گوران به علت کوهستانی بودن دست نخورده باقی مانده است و در دوران ساسانیان همواره مورد توجه شاهان آن حکومت بوده است.

مهمترین تیره ها و طوایف آن عبارتند از:

۱- قلخانی (اسپری)، ۲- قلخانی (بهرامی)، ۳- تفنگچی، ۴- گهواره، ۵- قادر میروسی. آنان گویش کلهری دارند و پیرو آئین اهل حق هستند. (افشار، ۱۳۸۱: ۱۰۰)، در کنار طوایف فوق، طایفه های باجلان، زنگنه، پایروند، احمدوند و بهتوری نیز در اقصی نقاط کرمانشاهان مسکن گزیده اند و در تحولات اجتماعی و سیاسی منطقه طی سالیان متمادی نقش آفرینی نموده اند.

حوادث جنگ جهانی اول در غرب ایران:

الف: نگاهی به سیر حوادث

جنگ جهانی اول در سوم اوت ۱۹۱۴ برابر با ۴ جمادی الاول ۱۳۳۲ قمری با اعلان جنگ اتریش به صربستان در اروپا آغاز شد و دول های بزرگ برابر یکدیگر صف آرایی کردند. آلمان، اتریش و عثمانی به موجب قراردادهای همکاری نظامی گروه متحدین و فرانسه، روسیه و انگلستان گروه متفقین را تشکیل داده بودند و به تدریج سایر کشورهای اروپایی نیز به هر یک از آن گروه ها پیوستند. به محض آغاز جنگ دولت ایران بی طرفی خود را اعلام نمود و با تشکیل مجلس سوم در ۱۷ محرم ۱۳۳۳ قمری دو حزب دموکرات و اعتدالیون در مقابل یکدیگر صف بندی نمودند. دموکرات ها عقیده داشتند ایران باید مانند عثمانی به طرفداری از آلمان و دول مرکزی وارد جنگ شود اما اعتدالیون اظهار داشتند که با توجه به اشغال ایران توسط قوای روس و انگلیس، کشور دچار ضعف شدیدی شده و پیروی از سیاست بی طرفی به مصلحت نزدیک تر است. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۴: ۳۴۳)

در بدو شروع جنگ شیخ الاسلام عثمانی فتوای جهاد بر ضد متفقین صادر کرد و این فتوا مورد تأیید مجتهدین کربلا و نجف نیز قرار گرفت. آنان از دولت ایران خواستند در کنار عثمانی وارد جنگ شود اما کابینه مستوفی الممالک نپذیرفت. (همان: ۳۴۳)

با این وجود، دولت متفق خاک ایران را علی رغم بی طرفی اشغال نمودند و قوای متحد هم برای ضربه زدن به آنان و با تحریک جمعی از رجال ایرانی و نیز با هدف وارد کردن ایران به جنگ و استفاده از نقاط استراتژیک کشور، وارد صحنه شدند. ارتش عثمانی در آغاز، برای عبور از ایران و رفتن به سمت شرق که فضای حیاتی دولت انگلستان بود و دروازه ورود به شبه قاره هند محسوب

می شد با ایلات و اقوام محلی غرب کرمانشاهان درگیر شد، بنابراین در کردن نبرد بزرگی به وقوع پیوست. در این راستا فرمانده ژاندارمری کرمانشاهان به فرمانده ژاندارمری کل کشور در ۳۱ ثور ۱۳۳۳-۲۱ مه ۱۹۱۵ چنین گزارش می دهد: «ماژورادوال - در عقب اردوی ترک گردنه ای است (منظور گردنه پاتاق که در اشغال قوای عثمانی بود)، که در ابتدا خود اترک مستحکم و آن را اشغال داشته و علی الحال آنجا را ترک نموده اند، چون تصور نمی کنم که باید(بتوان) ترک ها را مجبور به عقب نشینی نمود تقاضا می کنم فوراً یک اسکادران سوار از بروجرد به کمک بخواهیم که در گردنه مذکور در عقب قشون ترک قرار دهیم.

ارسال رونوشت کلنل سونسون به وزارت خارجه و وزارت داخله

سواد گزارش کلنل سونسون به مازورادوال.

شماره ۱۷۶۰-۷۴۰۰

تلگراف از هارون آباد-اول ژوئیه

ماژورادوال -تهران. (قطبی، ۱۳۷۰: ۱۴۴)

بدین ترتیب قشون ایران سعی داشت به هر طریقی جلوی متجاوزان را سد کند تا از بروز فاجعه انسانی جلوگیری نماید.

اما ارتش عثمانی با ورود به کردن عده زیادی از مردم آن دیار را از بین برد.

سرانجام مردم به سبب ضعف دولت مرکزی از جانب خود افرادی را به وساطت نزد رؤوف بیگ فرمانده قوای عثمانی اعزام کردند و در نهایت به سختی از وی امان نامه ای دریافت داشتند. با این وجود کردن در اشغال آنان باقی ماند. پس از این واقعه سنجابی ها نیز با عثمانی ها درگیر شدند و تلفات سنگینی به آنها وارد کردند. در این خصوص حکومت کرمانشاهان و کارگذاری امور خارجه کرمانشاه و اداره تلگراف خانه قصرشیرین به وزارت داخله چنین گزارش می دهد: «مقام منیع وزارت جلیله داخله، امروز، بیست و هشتم ربیع الثانی وارد سرپل ذهاب شده، ده روز در اینجا اقامت خواهم داشت. نسبت به تجاوز حدود عشیره دلو عثمانی و منازعه با سنجابی که تلگرافا در تحت نمره ۱۰۱ عرض شده، هرچند عجلاتا طرفین ساکت هستند، ولی امروز تلگرافی از دبیر همایون کارپرداز خانقین

رسیده که قائم مقام آنجا مطالبه ادعایی پاره ی منهویات ورثه مقتول می نمایند و اشاره کرده است که اگر این کار اصلاح نشود از عشایر و عسکری که تجمع در خانقین نموده اند دور نیست تولید زحمتی بنمایند، از این طرف سنجابی ها متظلمند که سبقت از طرف آنها بوده، دهکده (چم سیرشیرکه) را آتش زده، گوسفندهای آنها را نهب و چند نفر را مقتوا و مجروح نموده اند، علی ای حال اقدامات لازمه در این موضوع به عمل آورده و نتیجه را به عرض می رسانم. بیست و هشتم ربیع الثانی نمره ۱۰۶ امیر مفخم (حاکم کرمانشاه).

گزارش کارگذاری کرمانشاه، ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۳ (همان: ۳۴)

در نهایت با توجه به گرمسیر بودن قصر شیرین و آشنا بودن ایل سنجابی به نقاط حساس منطقه، سرانجام قوای عثمانی که دچار گرما زدگی شده بود از عشایر کرد شکست خورد و عقب نشینی کرد و بنا به گزارش اسناد در آن هنگام با تعداد اندکی به کشور خویش بازگشتند. (همان: ۱۴۶)، پس از این درگیریها بود که رجال دولتی به خاطر وضعیت بحرانی کشور رویه خویش را عوض کردند، بنابراین در قم کمیته دفاع ملی شکل گرفت و عده ای از سران دمکرات مانند: سلیمان میرزا اسکندری، میرزا سلیمان خان میکده، میرزا محمد علی خان کلوب (فرزین)، وحید الملک (شیبانی)، ادیب السلطنه سمیعی و عده ای دیگر با شونمان مأمور دولت آلمان همکاری کردند و همین که قوای روسیه از دو طرف قم را محاصره کرد آنان ابتدا به کاشان و سپس به اصفهان رفتند و عده زیادی از احرار و مجاهدین دوره مشروطه نیز با آنها همراه شدند. در ضمن رؤسای اعتدالیون همچون، سید محمد صادق طباطبایی و سید حسن مدرس هم راهی اصفهان شدند. (شمیم، ۱۳۸۳: ۵۹۰)، در این میان، ارتشهای متخاصم محصولات کشاورزی و دامی را مصادره کردند، دهقانان را به زور به جاده سازی و سایر بیگاری های نظامی واداشتند و اقتصاد ایران را دستخوش تورم و مردم را آواره و فقیر ساختند. (فوران، ۱۳۸۷: ۲۹۶)

در چنین شرایطی اعضای کمیته دفاع ملی با توجه به ضعف دولت مرکزی و به امید کمک نیروهای عثمانی و آلمان و با توجه به نزدیکی کرمانشاهان به بین النهرین و مساعد بودن راه های ارتباطی و یا دست کم برای دفاع از ولایات غرب ایران در برابر تهاجم بیگانگان به طور موقت اختلافات خویش را کنار گذاشتند در نهایت سران دو حزب تصمیم گرفتند تا با مهاجرت به کرمانشاهان دولتی موقت را تشکیل دهند تا از این طریق آزادی و امنیت را در کشور برقرار سازند. از سویی، با ورود

به کرمانشاهان دولت مردان، نظام السلطنه مافی را به ریاست برگزیدند و مدرس وزیر عدلیه، فرین و فطن الملک و صور و سالار لشگر و غیره نیز در سایر قسمتها وزیر شدند و بدین صورت این دولت از درون تا حدودی انسجام یافت. (بهار، ۱۳۸۷: ۵۳)

از سوی دیگر نیز، نظام السلطنه با مارشال فن درگولتز فرمانده قوای آلمان در خاورمیانه قراردادی را منعقد کرد و قشون عثمانی هم حدود چهارهزار نفر از عشایر را که دیگر قصد درگیری با آنان را نداشتند جمع آوری نمود و در نهایت با مساعدت آلمان ها به تعلیم نظامی این عده پرداختند. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۴: ۳۴۸)، از طرفی هم با فشار متفقین کابینه دولت ایران به دلیل عدم ثبات مرتب تغییر کرد و پس از برکناری مستوفی الممالک به ترتیب عبدالحسین میرزا فرمانفرما، محمد ولی خان سپهدار اعظم و در نهایت وثوق الدوله نخست وزیر شدند. بدین ترتیب، خواسته های دولت متفق را برآورده کردند و در مقابل دولت موقت ملی که مورد حمایت متحدین بودند قرار گرفتند و ضربات سختی را تا پایان جنگ بر آنان وارد نمودند.

ب): تأثیر جغرافیای طبیعی و انسانی

جغرافیای هر منطقه تأثیر بسزایی در شکل گیری افکار و عقاید، اقتصاد و تحولات سیاسی و اجتماعی سرزمینهای مختلف دارد. از جمله مسائل مشترکی که مونسکیو و ابن خلدون مطرح می کنند، تأثیر طبیعت و جغرافیا در اخلاق و رفتار ملت ها و وقایع و حوادث تاریخی - اجتماعی است. این دو دانشمند روی تأثیر تعیین کننده عامل جغرافیا بر بسیاری از مسائل فرهنگی، مذهبی، اخلاقی حتی نژادی تأکید دارند و آن را عمده ترین عامل در پدیده های اجتماعی می دانند. بر طبق نظر ابن خلدون بادیه نشینان متأثر از شرایط اقلیمی و نحوه معیشت از شهرنشینان تندخوتر، خشن تر و به دلیل نزدیکی به طبع و فطرت اولیه، به خیر و نیکی نزدیک ترند. علاوه بر تفاوت اخلاق و طبایع، مهمترین مفهومی که با بحث بادیه نشینی پا به عرصه تااملات ابن خلدون می گذارد «عصبیت» است و آن را نوعی همبستگی اجتماعی متکی بر این خویشاوندی و دفاع از آن می داند. وی با به کار گیری این مفهوم و پیوند آن با زندگی بادیه نشینی نتیجه می گیرد که هرگونه اجتماعی بدون احساس همبستگی در مواجهه با تهاجمات و خطرهای زندگی بدوی از هم گسیخته و

مضمحل می شود. (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲۹۶)، این نظریه با شرایط جغرافیایی غرب ایران و ایلات و عشایر کرمانشاهان سازگار است، به طوریکه عصیبت طی قرن ها عامل مهمی بر پیوند طوایف مختلف کرد بوده و بر زندگی آنان تأثیر داشته است.

مونتسکیو نیز در کتاب «روح القوانین» اثر شرایط جغرافیایی را بر امر اجتماعی و رفتار افراد بررسی کرده و بحث خود را با شرح جالبی از تأثیرات درجات مختلف هوا بر ارگانیسم انسان آغاز می کند: «الف: شدت حرارت از نیروی انسانی می کاهد و نشاط را از بین می برد. اما به عکس در مناطق سردسیر، نیروی انسانی به حد اعلا می رسد. و در مناطق گرمسیر به پایین تر حده می رسد.

ب: این تأثیر حتی در نیروی مغزی و اندیشه نیز، اثر می گذارد به همین سبب، ساکنان مناطق سردسیر، اعتماد به نفس کاملی به خود دارد و به تفوق شعور و درک خود معتقدند، برخلاف مناطق گرمسیر، به همین جهت همواره با نشاط اند و شجاع می باشند و کمتر به حيله تزویر روی می آورند و حس انتقام جویی دارند...» (مونتسکیو، ۱۳۷۰: ۴۸۱)

با توجه به نظریات فوق، ایلات و عشایر کرمانشاهان هم از این قاعده مستثنی نبودند و موقعیت جغرافیایی بر روحیه مردمان تأثیر گذاشته بود. بنابراین شرایط محیطی و نیز وجود نیروهای انسانی و روحیه جنگاوری و مثبت اقوام و طوایف، دولتمردان ایران را واداشت تا در کرمانشاهان دولت موقت ملی را ایجاد نمایند تا بدین طریق از نیروی ایلات و عشایر در امور نظامی بهره ببرند زیرا عشایر قرن ها به عنوان نیروهای نظامی نقش بسزایی را در تأمین امنیت مرزها داشتند و از طرفی به سبب آشنایی با جغرافیای طبیعی منطقه می توانستند متجاوزان را در تنگنا قرار دهند و با کمین در گذرگاهها، گردنه ها و تنگه ها ضربات سهمگینی را بر آنان وارد کنند که در این میان مستشاران و نیروهای آلمانی و عثمانی عشایر را به واسطه ضعف بنیه اقتصادی و نداشتن

سلاح مناسب مسلح کردند تا از نیروهای انسانی ایلات در جهت مقاصد خویش بهره ببرند.

در کرمانشاه قنصل آلمان وعده داد تا آرامش شهر را حفظ نماید و جلوی پیشروی مهاجمان را بگیرد. (سالور، ۱۳۷۷: ۴۲۸۰) افکار عمومی مردم کرمانشاهان هم علیه روسها و انگلیسی ها و بالطبع موافق قوای متحد بود. با این وجود دو ایل بزرگ کلهر و سنجابی مدنظر متحدین قرار گرفتند. بنابراین به رایزنی با سران آن طوایف پرداختند و سرانجام پیمان نامه ای را در شب ۳۰ ذی القعدة الحرام سال ۱۳۳۳ ه.ق، منعقد نمودند و آنان نیز سوگند یاد کردند که تمام اختلافات شخصی خود را کنار بگذارند و تحت کلمه جامعه اسلامیت و ایرانیت دست اتحاد و اتفاق به هم داده و در حفظ حقوق وطنی و منافع مملکتی تا آخرین قطره خون خود کوشیده و از هیچ گونه فداکاری دریغ نکنند. (سنجابی، ۱۳۸۰: ۲۸۴)، و از این زمان در مقابل تهاجم متفقین بسیج شدند به طوریکه در یکی از برخوردها نظام السلطنه مافی با عده ای سوار در گردنه بید سرخ کنگاور با روسها مواجه شد و آنها را به عقب نشینی وادار کرد. (اردلان، ۱۳۷۲: ۵۲)

پس از آن با دریافت کمک از کنت کانیتس وابسته نظامی آلمان به تقویت قوای خویش پرداخت. وی به نظام السلطنه وعده داده بود که دولت متبوع برای بیست سال تمامیت ارضی و استقلال کامل ایران را تضمین کند. (باست، ۱۳۹۱: ۵۵)

شونمان کنسول آلمان در کرمانشاه نیز ضمن تأیید وعده ای کنت کانیتس هدف از سفر خود به ایران و انتخاب کرمانشاهان به عنوان کانون اصلی جبهه متحدین را تشریح کرد و گفت: «دشمنان ما تصمیم دارند نیروهای نظامی خود را در بغداد به یکدیگر ملحق ساخته و خاک عثمانی را مورد حمله قرار دهند و اینچنین اهداف خویش را تحقق بخشند...» (احرار، ۱۳۵۲: ۶۲۳)

در موقع پیشروی روسها به مناطق غربی آب و هوا نیز دستخوش تغییراتی شده بود و با توجه به فرارسیدن فصل زمستان سرمای هوا کرمانشاهان را فرا گرفته بود و به سبب کوهستانی بودن و بارش سنگین برف به نظر می رسید که عرصه بر ارتش روس تنگ گردد اما آنها برخلاف پیش بینی رجال سیاسی به سرمای سخت عادت داشتند و سرمای ایران برایشان نوعی هوای معتدل به شمار می رفت و با تجهیزات کاملی به سمت غرب حرکت می کردند. (قائم مقامی، ۱۳۳۴: ۳۰)، اما امتیاز مثبت دولت موقت این بود که علی رغم آماده بودن روسها و داشتن امکانات مناسب از جغرافیای منطقه

آگاهی چندانی نداشتند و بدین ترتیب ایلات می توانستند با غافلگیری آنان و روی آوردن به جنگهای چریکی توان روسها را کاهش دهند. در منطقه بید سرخ ژاندارم های ایرانی با کمک افسران آلمانی و سپاهیان عثمانی استحکاماتی به طول بیست کیلومتر تدارک دیده و یک خط دفاعی غیرقابل نفوذ بوجود آورده بودند. در طرفین گردنه خندق های عمیق حفر و اطاق های متعددی در زیر زمین برای اقامت افسران و سربازان تعبیه نمودند و بر فراز تپه ها و کوهها توپهایی نصب و مسلسل چی ها هم در کنار آن موضع گرفته بودند. آتش توپها و مسلسل هایی که از هر طرف بر معابر تسلط داشتند مجال هرگونه ابتکاری را از روسها گرفت و باعث شد تا آنها با دادن تلفات سنگینی عقب نشینی کنند و این مسئله به دلیل موقعیت کوهستانی بید سرخ و صعب العبور بودن، پیروزی را برای ایرانیان و ارتش متحد به ارمغان آورد. بنا به گزارش قهرمان میرزا سالور: «...مجاهدین به گمان اینکه روسها فرار نموده اند از کوه سرازیر شدند و مواضع خویش را ترک کردند و وارد دشت شدند ... اما نمی دانستند که روسها در دشت ها جنگجویان خوبی هستند و این یک اشتباه بزرگ برای آنان بود...» (سالور، ۱۳۷۷: ۱۳۳۴)، همین مسئله به قوای روس فرصت داد تا با تاکتیک مناسب از غفلت مجاهدین استفاده نمایند و کنگاور را تصرف و آنجا را به پایگاهی مستحکم تبدیل کنند تا بتوانند بر بید سرخ مسلط و شکست خویش را جبران نمایند. بنابراین با فرار عباس خان امیرمخصوص کلهر، روسها در کنگاور استقرار یافتند و در نهایت مدتی بعد با سقوط نهاوند و ضعف قوای نظامی ایران، سپاه روس از فراز تپه ها و ارتفاعات مشرف بر بید سرخ مواضع نیروهای ملیون و ژاندارمری را به توپ بست و با تصرف قزوینه مواضع خود را انسجام بخشید. آلمان ها نیز با خوش خیالی امیدوار بودند که روسها هرچند هم قوی باشند امکان عبور از مواضع گردنه بید سرخ را نخواهند داشت و با فرارسیدن فصل بهار و باز شدن جاده ها نیروی های مستقر در منطقه غرب که ترکیبی از جنگجویان ایلات و عشایر، داوطلبان ملی و سپاهیان عثمانی و فرمانده هان آلمانی بودند روسها را به عقب زده و راه خود را به سمت تهران باز خواهند کرد. (احرار، ۱۳۵۲: ۶۳۰)، اما اولریخ گرکه با واقع بینی معتقد می گوید: «به سبب نبودن نیروی کمکی آلمانی و با وضعیت اسفناک عثمانی ها در عراق که توانایی هیچگونه کمکی نداشتند وقوع شکست روز به روز نزدیک تر می شد و لاجرم کانیتس ناگزیر می شود از کردها و لرها بهره ببرد...» (گرکه، ۱۳۷۷: ۳۳۱)، در واقع روسها با آگاهی از اهمیت راههای کرمانشاهان قصد داشتند به بین النهرین بروند و با همکاری ارتش بریتانیا آن منطقه را از وجود قوای متحد پاک و تصرف کنند با این حال می دانستند که رسیدن به قصرشیرین و رفتن به

مناطق تحت نفوذ عثمانی کار دشواری است و چون اطلاعات کافی از نقاط کوهستانی نداشتند با مشکلات عدیده ای مواجه شدند به ویژه اینکه هنگام گذر از گردنه بیدسرخ به دلیل استحکامات آن متحمل خسارات زیادی شدند. (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۳۳۵)

جنگهای چریکی عشایر علیه ارتش روسیه

روسها پس از اینکه به سختی از گردنه بید سرخ گذشتند در حوالی هرسین با طوایف لک مانند: کاکاوند و در بیستون با افواج ژاندارمری و سپاهیان عثمانی درگیر شدند و سرانجام با غلبه بر آنان به سمت کرمانشاه حرکت کردند. با ورود به این شهر در وضعیت دشواری قرار گرفتند زیرا در آن دیار ایلات و طوایف بزرگ اسلحه زیادی داشتند و با اتحاد دو طایفه کلهر و سنجابی اوضاع بر مهاجمان سخت شده بود. رؤسای کلهر همچون؛ عباس خان قبادیان، نوه دادوودخان کلهر و سردار ناصر و سردار مقتدر سنجابی با دولت موقت ملی همکاری نمودند. (اردلان، ۱۳۷۲: ۱۲۱)

با این وجود، طلایه دار سپاهیان روس با برنامه ریزی و انسجام بخشیدن به قوای خویش با مبارزان ایرانی وارد نبرد شدند و با توجه به ضعف ایرانیان، کرمانشاه را با زحمت بسیار تصرف نمودند. از طرفی هم دولت بریتانیا از روسها خواست تا با پیشروی به سمت بین النهرین ارتش عثمانی را تحت فشار قرار دهند تا بدین ترتیب آنان از حملات گسترده نیروهای ترک در امان بمانند. افواج روس در کرمانشاه از اهالی شهر خواستند تا تسلیم مأمورین شوند و پس از آن ارتفاعات و گلوگاههای مهم سفید کوه و تپه ماهورهای شهر کرمانشاه و تنگه کنشت را اشغال نمودند، افرادی از نیروهای نظامی انگلستان نیز آنها را همراهی کردند. این اقدام روسها باعث شد تا رجال سیاسی ایران به همراه نظام السلطنه مافی با تحمل دشواریهای فراوان ماهیدشت را پشت سر گذاشته و عازم کرند گردند. سرانجام با توجه به اوضاع بحرانی کرمانشاه سنجابی ها تحت قیادت سردار ناصر و سردار مقتدر و سالار ظفر پسران شیر خان صمصام الممالک نقش دلاورانه ای در پاسداری از سرزمین ایفا کردند. بنابراین در نقاط کوهستانی و گردنه های صعب العبور به قشون روس حمله بردند و عده زیادی از سربازان را کشتند و لطمات زیادی را به آنها وارد ساختند و با حمایت از اعضای کمیته دفاع ملی امنیت مهاجران را تا حدودی تضمین نمودند عشایر کرد برای اینکه مانع ورود روسها به بین النهرین شوند دو طرف جاده قصرشیرین و گردنه پاتاق (ر.ک. تصویر شماره ۳) را محاصره کردند به طوریکه سنجابی ها در شمال و کلهرها در جنوب آن منطقه مستقر شدند. این اقدام سبب شد تا دولت انگلستان در کوت العماره از نواحی عراق، در تنگنا قرار بگیرند و به شدت مساعدت روسها را طلب نمایند

تا بدین طریق محاصره قوای عثمانی را در هم بشکنند. اما نیروهای کرد به ویژه کله‌رها با تاکتیک خاصی و با برکشیدن فریادهای جنگی به دشمن می‌تاختند و همه تفنگهای خود را شلیک می‌کردند و با جنگ چریکی ارتش منظم متجاوزان را غافلگیر کرده بودند. (بلوشر، ۱۳۶۳: ۵۷). با این حال، روسها با دریافت قوای کمکی و نیز طرح نقشه‌ای مناسب مواضع پاتوق را شناسایی و چون در این زمان میان سران ایلات بر سر نحوه محاصره اختلاف افتاده بود موفق شدند نیروهای ایلپاتی را شکست دهند و با گذر از آن نقطه به قصرشیرین برسند و ارتش عثمانی را به عقب نشینی وادار کنند. (همان: ۵۹)

ایل سنجابی هم به خاطر کمبود فشنگ و تجهیزات جنگی در وضعیت اسفناکی قرار گرفت و در نهایت، برای اینکه قتل عام نشوند با فرماندهان روسی وارد مذاکره شدند. آنان برای تأمین جان مهاجران و مردم و همچنین محافظت از منافع ایران در ربیع الثانی ۱۳۳۴ه.ق، مهمانی بزرگی به هزینه خود ترتیب دادند و در حضور بیش از هفت هزار نفر از سران و بزرگان شهری، ایلی، رؤسای دوایر دولتی، نظامیان روسی و نمایندگان دولت‌های انگلیس و روس با کنار گذاشتن نشان‌های آلمانی شرایط صلح نامه ده ماده‌ای را که به صلح «بندار» معروف است را پذیرفتند. (رحمتی و نظری، ۱۳۹۴: ۲۸)

البته چنان که از فحوای کلام مورخان برمی‌آید، این مذاکرات بی نتیجه ماند و سپاهیان روس ضمن تصرف کامل قصرشیرین و سپس شهرهای خانقین و رواندوز در رجب ۱۳۳۴ه.ق، برای حمله به قوای عثمانی آماده شدند. (همان: ۲۸)، لشکر انگلیس هم که پیش از این در کوت العماره از عثمانی‌ها شکست خورده بود با تجدید قوا آنجا را تصرف کرد. (کسروی، ۱۳۷۶: ۶۶۶). با سقوط بغداد مهمترین مرکز تجمع قوا و تدارک سپاه در بین‌النهرین از دولت عثمانی گرفته شد و به قطع ارتباط آلمانی‌ها با جاسوسان و عواملشان در ایران و افغانستان انجامید و همچنین نگرانی انگلستان را درباره هندوستان مرتفع کرد. (رحمتی و نظری، ۱۳۹۴: ۲۹)

از سویی، روسها به علت گرمای طاقت فرسای بین‌النهرین و شیوع بیماری وبا و نیز به سبب وقوع انقلاب در روسیه به تدریج از مناطق غربی عقب نشستند و این مسئله دولت انگلستان را در تداوم نزدیکی با ایلات و عشایر ایران راسخ‌تر کرد زیرا با توجه به ضعف مفرط حکومت مرکزی با جلب و همکاری طوایف غرب می‌توانست به اهداف خود برسد. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۷۹). اما ایل سنجابی

به مهاجران وفادار بود و تمهیداتی را برای آسایش آنها فراهم نموده و تمایلی به همکاری با انگلستان نداشت و درخواست بریتانیا را برای تشکیل پلیس غرب نپذیرفتند. این اقدام انگلستان را واداشت تا با تحریک سایر طوایف، علاوه بر تفرقه انداختن میان ایلات و عشایر، از سنجابی ها به شدت انتقام بگیرد. بنابراین در وهله نخست؛ میان کلهر و سنجابی کینه و کدورت ایجاد نمودند و تلاش کردند تا ارتباط ایل سنجابی را با عناصر ملی قطع کنند و در این راه با ایلات لر و والی پشتکوه قرار داد همکاری و اتحاد منعقد کردند. (Burrel, 1997: 783)، به هر طریق، سران ایل سنجابی حاضر نبودند با انگلستان همراهی کنند اما مقابله با ارتش مقاوم و پیشرفته آن دولت هم برایشان سخت شده بود. از طرفی پراکندگی ایل سنجابی در اقصی نقاط کرمانشاهان بالاخص در محلات گرمسیری امکان تشکیل سپاه متحد را به آنان نداد. (رحمتی و نظری، ۱۳۹۴: ۳۴)

دولت انگلستان که از نافرمانی سران سنجابی به ستوه آمده بود تصمیم گرفت تا ضربه نهایی را بر آنان وارد سازد، پس فاجعه «دشت حر» را بوجود آورد و با فرو ریختن بمب های آتشین عشایر سنجابی را قتل عام کرد. نکته جالب اینکه انگلستان از غفلت مردم سنجابی که بجای پناه گرفتن در کوهها به دشت رفته بودند نهایت استفاده را برد و به صورت یکپارچه همه را سرکوب کرد. (سنجابی، ۱۳۸۰: ۴۶۵)

البته پیروزی انگلستان با یاری و مساعدت ایلات کلهر و گوران میسر شد و این مسئله بیانگر بذر نفاقی بود که بریتانیا میان عشایر غرب ایران پاشیده بود و اینچنین اتحاد و اتفاق آنها را از بین برد و با وعده های دروغ کلهرها و دیگر طوایف کرد را بر علیه سنجابی ها بسیج کرد. پس از این واقعه سردار ناصر سنجابی دستگیر شد و قدرت ایل سنجابی فروپاشید و برخی از اشخاص این طایفه راهی عثمانی شدند و باقیمانده مردم نیز تحت نظارت حکومت مرکزی ایران و انگلستان به حیات خویش ادامه دادند. (همان: ۵۳۱)، دولتین آلمان و عثمانی با توجه به شکست های متعدد از حمایت دولت موقت ملی و عشایر کرد دست برداشتند و با خلع سلاح و خیانت به آنان ثابت کردند که از ایرانیان تنها به عنوان بازیچه در راه مقاصد خویش بهره برداری کردند. ماحصل کلام اینکه، اگر طوایف انسجام درونی خود را حفظ می کردند و از شرایط اقلیمی منحصر به فرد کرمانشاهان به ویژه کوهستانهای زاگرس به درستی بهره می بردند می توانستند با پناه بردن به آن جدا از پاتک زدن به متفقین جان خود را هم محفوظ بدارند و از آب و هوای سرد و گرم به نحو احسن بهره ببرند و

مهاجمان را در تنگنا قرار دهند. چه بسا اگر بدین صورت عمل می کردند سرنوشت دیگری را رقم می زدند.

نتیجه

نتایج حاصله از این پژوهش چنین است که؛ جغرافیای طبیعی و انسانی هر منطقه تأثیر بسزایی در شکل گیری رویدادها و حوادث تاریخی دارند و این عوامل نقش بزرگی در روند جریانات سیاسی و اجتماعی ایفا می کنند به طوریکه در زمان جنگ جهانی اول این مسائل باعث شد تا دولت های متحد و نیز دولت موقت ملی از موقعیت استراتژیک و منحصر به فرد کرمانشاهان استفاده نمایند و تا اواسط جنگ متفقین را تحت فشار قرار دهند. آنان با بهره بردن از عناصر انسانی و تنوع قومیتی منطقه و نیز شرایط آب و هوایی، کوهستان های زاگرس و تنگه های صعب العبور به سربازان روس و انگلیس شیبخون زدند و خسارات و تلفات سنگینی را به آنها وارد نمودند. ایلات و عشایر کرد هم با متحد کردن مردم خویش و نیز به واسطه آشنایی با جغرافیای غرب ایران در راستای اهداف جبهه متحدین گام برداشتند. چه بسا اگر از لحاظ اقتصادی وضعیت مناسبی داشتند و به پول و سلاح ارتش متحد وابسته نبودند و به طور مستقل عمل می کردند و در نهایت وفاق و همدلی خویش را حفظ می نمودند و برنامه منسجمی را تدارک می دیدند و اگر ارتش های قوای متحد در اروپا شکست نمی خوردند و در غرب ایران با طوایف جاه طلبانه برخورد نمی کردند، می توانستند با کمک نیروی انسانی و موقعیت جغرافیایی ویژه این خطه کهن ضربات سهمگین تری را بر پیکره متفقین وارد نمایند.

منابع:

- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۷۵). مقدمه، ج ۱، ترجمه محمد پروین گنابادی، چ ۸، تهران، علمی و فرهنگی.
- احرار، احمد. (۱۳۵۲). توفان در ایران، ج ۲، تهران، مؤسسه انتشارات زرین.

- اردلان، امان... (۱۳۷۲). خاطرات حاج عزالممالک اردلان، تهران، نامک.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۱). کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، تهران، نگارستان.
- ایزد پناه، حمید. (۱۳۶۷). فرهنگ لکی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- باست، الیور. (۱۳۹۱). آلمانی ها در ایران، ترجمه حسین بنی احمد، تهران، پردیس دانش.
- بارتولد، و. (۱۳۰۸). جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران، چاپخانه اتحادیه.
- بلوشر، ویپرت. (۱۳۶۳). سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.
- بهار، محمد تقی. (۱۳۸۷). تاریخ مختصر احزاب سیاسی در ایران، ۲ جلد، تهران، زوار.
- دولت آبادی، یحیی. (۱۳۶۲). حیات یحیی، ج ۳، چ ۴، تهران، انتشارات فردوسی.
- رحمتی، محسن و نظری، پیرحسین، ایل سنجابی و سیاست های انگلیس در غرب ایران در جنگ جهانی اول، فصلنامه پژوهش های علوم تاریخی، دوره ۷، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۲۱-۳۹.
- سالور، قهرمان میرزا. (۱۳۷۷). روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۶، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر.
- سلطانی، محمدعلی. (۱۳۸۱). جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، تهران، سها.
- سنجابی، کریم. (۱۳۸۰). ایل سنجابی و مجاهدت ملی (خاطرات سردار مقتدر سنجابی)، تهران، شیرازه.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۸۳). ایران در دوره سلطنت قاجار، چ ۲، تهران، زریاب.

- شهبازی، عبدالله. (۱۳۶۹). مقدمه ای بر شناخت ایلات و عشایر، تهران، امیرکبیر.
- عادلفر، باقرعلی و اسمعیلی، پوریا، هرسین در آئینه تاریخ باستان، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تاریخ، سال ۱۱، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۴۳، صفحه ۶۰-۳۹.
- فوران، جان. (۱۳۸۷). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، چ ۸، تهران، مؤسسه فرهنگی رسا.
- قائم مقامی، رضاقلی. (۱۳۳۴). وقایع غرب ایران در جنگ اول جهانی، اراک، چاپخانه فروردین.
- قطببی، بهروز. (۱۳۷۰). اسناد جنگ جهانی اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشر قرن.
- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۹). دولت و جامعه در ایران، ترجمه حسن کامشاد، تهران، مرکز.
- کسروی، احمد. (۱۳۷۶). تاریخ هجده ساله آذربایجان، تهران، امیرکبیر.
- گرکه، اولریخ. (۱۳۷۷). پیش بسوی شرق، ترجمه پرویز صدری، تهران انتشارات کتاب سیامک.
- گلزاری، مسعود. (بی تا). کرمانشاهان و کردستان، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
- گودرزی، علیرضا. (۱۳۸۱). ایل کلهر در دوره مشروطیت، کرمانشاه، انتشارات کرمانشاه.
- لسترنج، گای. (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چ ۳، تهران، علمی و فرهنگی.
- مرادی، یوسف. (۱۳۸۲). سیمای میراث فرهنگی کرمانشاه، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مونتنسکیو. (۱۳۷۰). روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، چ ۱، تهران: امیرکبیر.

- مهدوی، هوشنگ. (۱۳۸۴). تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، امیرکبیر.

- میرنیا، علی. (۱۳۶۸). ایل ها و طایفه های عشایری ایران، تهران، نسل دانش.

- Burrel, R.M (General edition). (1997). Iran political diaries, 1881-1965, Cambridge university, archive editions, London.

تصاویر



(تصویر شماره ۱، کوه دالاهو)



(تصویر شماره ۲، کوه پراو)



(تصویر شماره ۳، گردنه پاتاق)

The impact of the natural and human geography of Kermanshahan on the events of the first world war

Dr. Nasrollah PourMohammadi-e-amlashi (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Pourya Esmaili

PhD Student, The history of Islamic Iran, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Abstract

In this research, the impact of the natural and human geography of Kermanshahan on the events of the First World War is examined. with the onset of First World War in 1914/1332 AH, with the formation of the interim government in Kermanshah and the support of the United States from them and also the existence of Kurdish tribes in the early years of the war, the Russian and British armies in western Iran were under pressure, this was due to the fact that the Kurdish tribes curtailed them by familiarizing themselves with the highways and mountainous areas, especially the Germans and the Ottoman forces. This article uses historical research method, based on the description and analysis of the various aspects of the subject. The main findings indicate that this ancient area is due to certain climatic conditions such as mountainous climate variation, the existence of tidal rivers, vast plains, ethnic diversity, and the Mesopotamian - Khorasan high way, has played a significant role in the political transformations of World War I in western Iran.

Key words: Kermanshahan, Natural geography, Human geography, National interim government, First World War